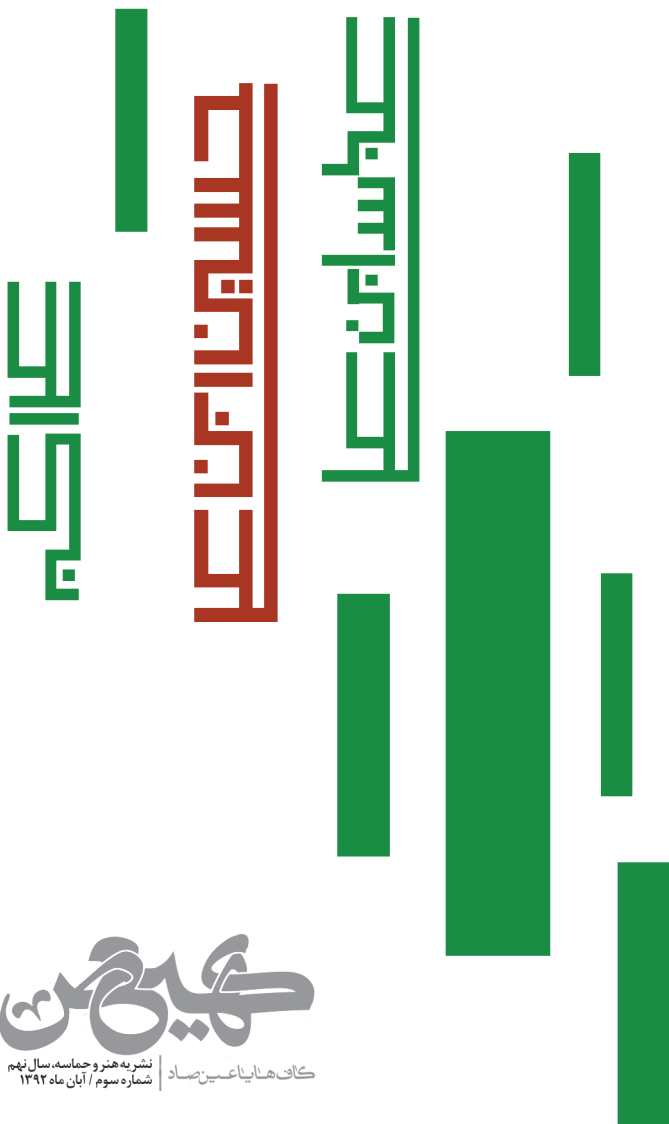




کاف هانیاعین صاد

نشریه هنر و حماسه، سال نهم  
شماره سوم / آبان ماه ۱۳۹۲

## پنجره سوم

# نامعه غصه

مجید پورولی کلشتری

آورده اند که پیام آوران حضرت حق؛

جملگی شراب شهادت نوشیدند، و یک به یک؛

در نوبت آسمان و وصل ایستادند، یکی به واسطه زهر و سم، آن یک به واسطه خیانت و نفاق؛ و جماعتی به ضرب شمشیر ...

اما هیچکدام از شهادت های رسولان و پیام آوران حضرت حق؛ نظیر شهادت حسین بن علی علیه السلام؛ پرسوز و غمناک و آتشین نیست، راستی که سکوت و بی تفاوتی و نگریستن بر این ماجرا، بسی دشوارتر از گریستن و نالیدن و بی تابی ست ...

روضه و نوحه و مرثیه لازم نیست، تنها چشم هاتان را دمی ببندید، خودتان را از خاک اکنون و اینجا کوچ دهید به دیروزها، به صحرای نینوا، و دشتی را تصوّر کنید و پیش از دشت، گودالی را، و حسین بن علی علیه السلام را ...

کودکی شش ماهه ای بر دست ...

و این قاسم ... برادر زاده ای بی دست

و این جا ... علی اکبر ... از شهادت مست

خیمه هایی همه سوخته، و آن جا ... دورتر ... برادری فرق شکافته و عمود آهن بر سر کوفته  
سوالاتی در ذهن مانده ...

یک نفر پیدا شود بگوید: تیری را که در گلولی کودک شش ماهه رفته چگونه باید بیرون کشید؟! چگونه؟! مبادا نوک پیکان تیر، استخوان و گوشت گلولی علی اصغر را بیرون بکشد؟! با همان چشم های بسته،

سه ساله اش را تصور کنید، سه ساله ای تنهای ترسیده ای که بر خاک افتاده و می لرزد از ترس با لبانی تشنه، تنی رنجور، بدنی نحیف و تکیده، از هجوم سم اسبان در وحشت سه ساله ای که نرمی گوشش را پاره کردند، تا گوشوارش را به سوغات برند لگد بر پهلوی سه ساله کوفتن شنیده اید؟!؟

پیرزنان خمیده کمر را می دانم،

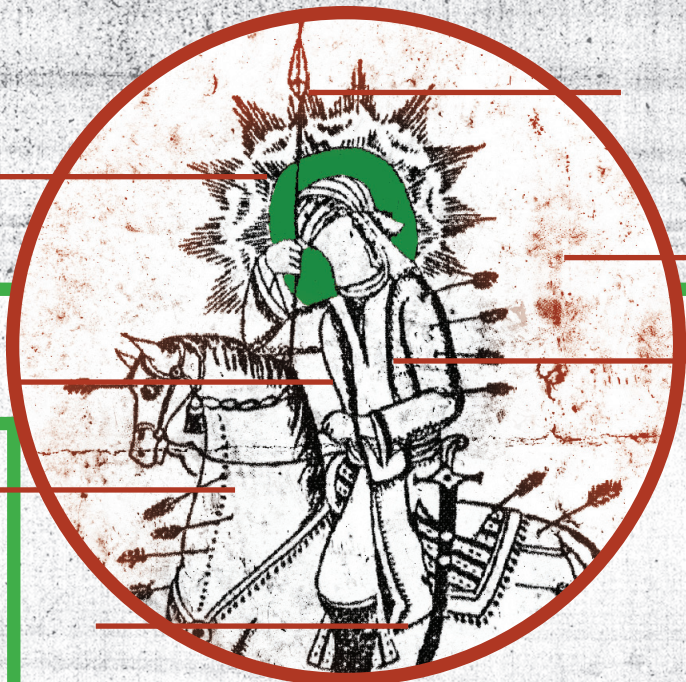
اما سه ساله ای خمیده کمر دیده اید؟! چشم تان را باز کنید

چشم تن، چشم دل

شهادت حسین بن علی علیه السلام؛ و احوالی که بر اهل بیت او گذشت؛ تنها یکبار بر زمین رخ داد و دیگر هرگز تکرار نشد، صراحت روایات در این مطلب مهم است که:

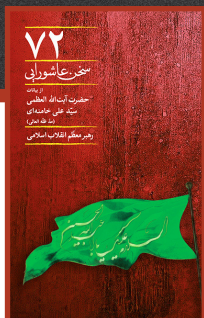
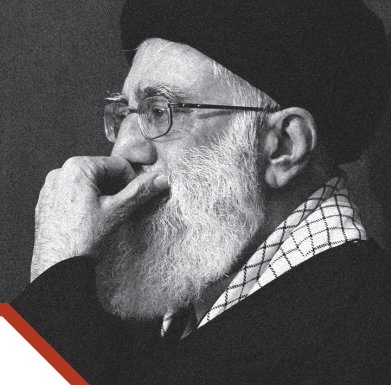
# این شفا دهنده با مومن دوست

چون حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید؛ پیکر مطهر حضرت به آسمانها برده شد، و باز دوباره به سرزمین کربلا باز گردانیده شد، و بر روی زمین ماند، و سر نورانی اش گاهی بر روی دستها بود؛ گاهی بر فراز نیزه ها، گاهی بر شاخه درختان، و زمانی بر سر در دروازه شام، زمانی بر طبقی در بارگاه یزید لعنت الله علیه؛ سر مبارک و مطهر حضرت شهرها و روستاها سیر داده شد، از کربلا تا کوفه، وادی به وادی، منزل به منزل از کوفه به شام، کوی به کوی، برزن به برزن غمناکتر، آن روایتی ست که مدعی ست سر حسین بن علی علیه السلام را از شام به مصر، و از مصر به مدینه باز گرداند، هرچند در کتب معتبر شیعه مکتوب شده ناممکن نیست که سر مبارک حضرت را، ملائکه از شام به آسمان ها برده باشند، کاش این سری که بر بدن ماست به کار آید، لحظه ای در مقام و منزلت و جایگاه و عظمت حضرت تأمل کند، سری که در آن سودای حسین بن علی علیه السلام باشد پلکان سربلندی ست ... ایام سربلندی تان را غنیمت شمیرید.



## لشکر پلور

هر روز فوج فوج مرد جنگی به لشکر مقابل افزوده می شد. بچه ها ترسیده بودند.  
- بابا پس کی لشکر تو می رسد؟ - به زودی.  
طولی نکشیده بچه ها را صدا زد: - بیایید عزیزانم، لشکر من نزدیک می شود.  
بچه ها خیره خیره به سپاه پدر که از دور می آمد نگاه می کردند:  
مسلم بن عوسجه، حبیب بن مظاهر و غلامی که همراهی شان می کرد



## ۷۲ سخن عاشورایی

### آیت الله خامنه ای

مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

## از بنفشه خون و گلگون تر است

کتاب «۷۲ سخن عاشورایی»، گزیده‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره‌ی مسائل مختلف مربوط به نهضت امام حسین (علیه السلام) است. بیاناتی که از خرداد ۱۳۶۸ تا تیرماه ۱۳۹۰ در محافل و مجالس گوناگون ایراد شده در ۷۲ سخن (بخش) جمع‌آوری شده است. همچنین در بخش پایانی کتاب یعنی سخن ۷۲، دعا‌هایی که معظم‌له با محوریت «حماسه‌ی عاشورا» در سخنرانی‌های مختلف فرموده‌اند جمع‌آوری و ارائه گردیده است.

برخی از این بیانات مانند سخن ۲ و ۵ در حد چند عبارت است ولی برخی از آن‌ها همچون سخن ۲۷ و ۴۴ بنا بر مقتضیات زمان و اهمیت، حجم بیشتری دارد.

این کتاب با تلاش علیرضا مختارپور قهرودی تدوین شده است و دارای فهرستی تفصیلی است که بر اساس ترتیب زمانی رخدادها تنظیم گردیده است. همچنین یک فهرست مطالعه موضوعی نیز برای این کتاب در نظر گرفته شده که شامل عناوینی چون: زندگی و ابعاد شخصیت امام حسین (ع)، اهداف و فلسفه قیام، درس‌ها و عبرت‌های عاشورا، اهمیت ماه محرم و برگزاری مجالس عزاداری و ذکر مصیبت است.

در بخشی از کتاب به نقل از مقام معظم رهبری در جمع علما و روحانیون در سال ۷۱، می‌خوانیم: «روزی در همین کشور ما، مبارزات ضداستعماری و ضداستبدادی و ضد دستگاه کفر و طاغوت مطرح بود. اما بعضی این تکلیف را تشخیص نمی‌دادند و به کارهای دیگر جسیبیده بودند. احیاناً اگر کسی تدریسی داشت، اگر تالیفی داشت، اگر یک حوزه کوچک تبلیغی داشت، اگر هدایت جمع محدودی از مردم در کارهای دینی بر عهده او بود، فکر می‌کرد اگر به آن مبارزه بپردازد، آن کارها معطل خواهد ماند! مبارزه به آن عظمت و به آن اهمیت را ترک می‌کرد، برای اینکه از این کارها باز نماند! یعنی اشتباه در شناختن آنچه لازم بود. آنچه مهم بود و آنچه اهم بود. حسین ابن علی (علیه السلام) در بیانات خود فهماند که برای دنیای اسلام در چنین شرایطی، مبارزه با اصل قدرت طاغوتی و اقدام برای نجات انسان‌ها از سلطه شیطانی و اهریمنی این قدرت، واجب‌ترین کارهاست.»

«۷۲ سخن عاشورایی»، گزیده‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به همت علیرضا مختارپور قهرودی، در ۲۹۶ صفحه و توسط انتشارات انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به مؤسسه انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی) منتشر شده است.

# رویکتیرده طلوع و سار

طلوع می کند اکنون به روی نیزه سری  
که روی شانه طوفان رهاست گیسویش

## ضامن حیات و بقای اسلام

مرضیه بیات

از محرم و صفر می دانند و مقام عظمای ولایت، محبت مردم به حسین بن علی (ع) را ضامن حیات و بقای اسلام.

عاشورا برای ما یک حادثه ی صرف نیست که به وقوع پیوست و تمام! عاشورا یک فرهنگ است و آغاز تاریخی جدیدی که به اسم احیای دین آغاز می شود؛ به اسم خون و جهاد؛ به اسم مبارزه با ظلم و ستم؛ به اسم حسین (ع). آغاز تاریخی که تداومش به ظهور منجی موعود ختم می شود. آغاز حکومتی که می آید تا وعده ی الهی جهانی شدن اسلام را محقق سازد. حکومتی که خواسته و مطلوب تمامی پیغامبران بود. حکومتی به نام خدا. و نقطه ی شاخص در این حادثه، قاطعیت و

روزشهادت را امام صادق (ع) سوگ ناک ترین روزها نام نهاد؛ به این دلیل که تو آخرین اهل کسا بودی و پس از تو کسی از اهل کساء باقی نماند تا مایه ی تسلی خاطر مردم باشد و رفتنت به منزله ی رفتن تمامی اهل کساست و بودندت یعنی بودن همه ی آنها.

در فرهنگ شیعه، نام محرم و عاشورا، کربلا و حسین (ع) به هم آمیخته شده و با یکدیگر پیوند دارند؛ گویا محرم جز حسین (ع) و کربلا هیچ ندارد.

گریه بر حسین (ع)، بالاترین فریاد بر ستم است. اشک های جاری در محرم ریشه کن کننده ی بنیاد ستم است و زندگی بخش انسانیت. بی دلیل نیست که امام (ع) تمامی هستی ما را

پرچم سرخ به اهتزاز درآمده بر فراز گنبدش  
بدین معناست که این فرد مظلوم کشته شده  
و هنوز خونخواه کسی به خونخواهی اش  
برنخاسته. مگر نه اینکه خونخواهش مهدی  
است او که شعار یارانش نیز یالثرات حسین  
است.

هر روز عاشورا تکرار می شود؛ ما در کدام سوی  
میدانیم؟

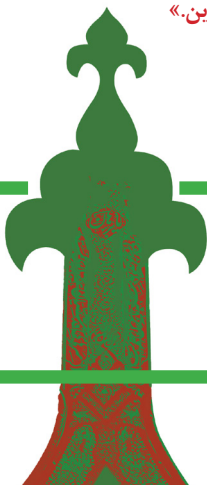
«الْسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ،  
الْسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ، اَلْسَّلَامُ  
عَلَيَّ يَعْسُوبُ الدِّينِ؛ سلام بر آن کسی که  
فرشتگان آسمان بر او گریستند، سلام  
بر آن کسی که خاندانش پاک و مطهرند،  
سلام بر پیشوای دین.»

سازش ناپذیری اباعبدالله الحسین(ع) در مبارزه  
با فساد، انحراف و استبداد است که همواره  
الهام بخش انسان های آزاده در طول تاریخ بوده  
است.

حسین(ع) با شجاعت تمام از دین و حقانیت  
خود دفاع کرد و هرگز خواری بیعت با یزید  
را نپذیرفت. او برای دفاع از دین و احیای  
ارزش های اسلامی، رنج ها و مصیبت ها را به  
جان خرید و تا مرز شهادت ایستادگی کرد و  
هیچ جا از ارزش های مقدسش پایین نیامد.

نهضت حسین(ع) در کربلا برای زنده نمودن  
روح مسئولیت پذیری و حق خواهی در جامعه  
و برکندن بنیاد ظلم و استبداد از جامعه بود و  
زدودن زنگارهای نیرنگ و فریب از چهره های  
دین اسلام و آشکار نمودن حقیقت پنهان شده  
در پشت پرده های ضخیم تحریف برای مردم و  
بیدار نمودن جان خفته ی جاهلان، گمراهان و  
فریب خوردگان.

بی دلیل نیست که دشمنان بر این اعتقادند  
که انقلاب اسلامی ایران بر اساس دو مکتب  
شکل گرفته؛ مکتب سرخ حسینی و مکتب  
سبز مهدوی.



او رفت و بعد، شیهه اسبی غریب؛ ... ماند  
شاخه شکست؛ رایحه عطر سیب ماند  
یک تن به جای حضرت یوسف به چاه خفت  
اما سری؛ دریغ ... به روی صلیب ماند  
از آن همه جمال جمیل خدا؛ فقط  
تصویر مات و خاکی شیب الخضیب ماند  
دیگر برای بوسه شمشیر جا نبود  
حتی لبان دخترکش بی نصیب ماند  
در لابلای آن همه فریاد و هلهله  
تنها صدای مادری آنجا غریب ماند



صحرا میان شعله صدتازیانه سوخت  
پروانه های کوچک در این میانه سوخت  
تنها نه بال نازک پروانه های دشت  
گل های سرخ روسری دخترانه سوخت  
یکباره کربلا و مدینه یکی شدند  
پهلوی و دست و بازو و هم شانه سوخت

یاسر حوتی



دانشجویان و دانش آموختگان هنر